



بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار گروه کثیری از کارگران و کارآفرینان - 4 / اردیبهشت / 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

خیلی خوشامدید برادران و خواهران عزیز؛ کارگران نمونه، نمایندگان جوامع کارگری، و مسئولان بخش دولتی مربوط به کار! یقیناً آن جلسه ای که متشکل باشد از مردان و زنانی که همت و شعارشان کار است، جزو محبوبترین جلسه ها پیش خدای متعال است. عمل و کار، در ادبیات قرآنی و اسلامی ما، یک رتبه ی والائی دارد. البته کار، فقط کار در کارخانه یا مزرعه یا بخشهای دیگر نیست؛ اما عمل صالح که در قرآن این همه بر روی آن تکیه شده است، شامل اینها هم هست. یعنی شما وقتی کاری انجام میدهید که با وجدان کاری همراه است، با احساس مسئولیت همراه است، با جدیت و تلاش همراه است، با نوآوری همراه است، با هدف اداره ی زندگی یک عائله همراه است، خود این، یک عمل صالح است - «الا الذین امنوا و عملوا الصالحات» - عمل صالح شامل اینها هم هست؛ چه بهتر از این؟ چه بهتر از این که انسان مشغول کسب و کاری است که درآمد زندگی او وابسته به آن است؛ در عین حال همین کار عمل صالحی است که در قرآن، عدل ایمان قرار داده شده است؛ «امنوا و عملوا الصالحات»؟ ارزش کار که گفته میشود، یعنی این.

اینکه در جامعه ی اسلامی، مسئولان اسلامی، نسبت به کار، نسبت به کارگر اظهار تجلیل و تکریم میکنند، این لفاظی نیست؛ تعارف نیست. بله، در دنیا کسانی هستند که به زبان، سنگ کارگر را ممکن است به سینه بزنند؛ اما فرق است بین آن کسی که میخواهد شعار بدهد تا دل یک جمعیتی را به خود متوجه کند، و آن کسی که حقیقتاً برای کار به عنوان عمل صالح، ارزش معنوی و الهی قائل است. منطق اسلام، این دومی است؛ یعنی کارگر در حال عبادت است؛ کار او عبادت است.

راز ارزش کارگر در یک جامعه، علاوه ی بر این معنای الهی و اسلامی و معنوی، در یک امر بسیار مهم دیگری هم نهفته است و آن این است که استقلال یک کشور، وابسته ی به کار است. هیچ کشوری و هیچ ملتی با بیکارگی و تن پروری و بی اعتنائی به کار به جایی نخواهد رسید. ممکن است از یک بخش الهی یا غیر الهی - مثل نفتی، چیزی - درآمدی داشته باشند، زندگی را به حسب ظاهر خوش بگذرانند، محصولات خارجی بیاید فضای زندگی آنها را پر کند؛ اما استقلال نخواهند داشت. عزت یک ملتی که دارای استقلال است، جز به وسیله ی کار به دست نخواهد آمد. ارزش کار این است. ما با این چشم به کارگر نگاه میکنیم؛ ما با این چشم، بوسیدن دست کارگر را یک ثواب میدانیم. هر کسی دست یک کارگر را ببوسد، یک حرکت صواب و صحیح انجام داده است؛ برای اینکه یک وسیله برای استقلال ملت خود و کشور خود را تجلیل کرده است. کار، اینقدر ارزش دارد.

جامعه ی کارگری کشور ما یک امتیاز دیگری دارد که در اغلب کشورها نیست - شاید در بعضی از جاهای دیگر هم بوده است، ما اطلاعی نداریم؛ اما در کشور خودمان این را به چشم دیدیم - و آن این است که جامعه ی کارگری ما در امتحان بزرگ دوران انقلاب و دوران دفاع مقدس نشان داد که از بن دندان دارای وجدان دینی و وجدان ملی است؛ نشان داد که از بقیه ی قشرهای کشور اگر جلوتر نیست - که به احتمال زیاد از بقیه جلوتر هم هست - لااقل در صفوف مقدم است. در دوران انقلاب، کارگرها نقش ایفاء کردند. بخصوص در دوران دفاع مقدس، کارگران از همه ی نقاط کشور، به شیوه های گوناگون به این آزمایش بزرگ ملت ایران پشتیبانی رساندند؛ جانشان را، تنشان را، کارشان



را در خدمت دفاع مقدس قرار دادند و صدق و صفای خودشان را ثابت کردند. این هم امتیاز دیگر جامعه ی کارگری ماست.

اینها حقائق است. لفاظی و زبان پردازی مال آن کسانی است که به این حقائق اعتقادی ندارند. ملت ایران باید قدر جامعه ی کارگری خود را بداند. ما باید در عرف مفاهیم دینی و اجتماعی خودمان، برای کلمه ی «کارگر» قداست قائل باشیم. کارگر يك قداست دارد. کارگر آن کسی است که دارد کار میکند تا ملت و کشورش به عزت استقلال دست پیدا کند. این باید برای همه ی ما به عنوان يك باور قطعی در بیاید. همه بدانیم که کارگر چقدر اهمیت دارد. این عنوان «کارگر» شامل همه ی کسانی است که دارند کار میکنند برای پیشرفت کشور، برای توسعه ی تولید در کشور، برای بهبود وضع کار در کشور. این يك مطلب، که راجع به اهمیت کار و کرامت کارگر است.

مطلب دیگر، وظائفی است که مسئولان کشور در قبال کارگران دارند؛ همان طور که وزیر محترم (1) اشاره کردند. این مسئولیتها، مسئولیتهای متنوعی است. خوشبختانه انسان می بیند و احساس میکند که این دولت، دولت کار است؛ خود عناصر اصلی دولت به معنای حقیقی کلمه، کارگری میکنند؛ دائم مشغولند، کار میکنند و تحرك نشان میدهند؛ کارهای پر اهمیت، کارهای پرارزش. یکی از این وظائف همین است که مشکلات جامعه ی کارگری کشور را جستجو کنند و آنها را برطرف کنند. یکی از این مشکلات یقیناً وجود بیکاری و عدم اشتغال است. رونق دادن به اشتغال و تشویق کارآفرینان و ایجاد بنگاه های کاری هم یکی از این کارهای لازم است. این در منطق جمهوری اسلامی يك تلازم را نشان میدهد. در منطق کشورهای مادی اینجور نیست. در منطق کشورهای سرمایه داری، کارگر يك ابزار است؛ وسیله ای است در خدمت کارفرما. در منطق آن مکتبهای مضمحل شده و نابود شده ای که ادعای طرفداری از کارگر میکردند، وجود جنگ میان کارفرما و کارگر بود. از این جنگ بود که آن نظامها میخواستند نان بخورند و اسمشان را بگذارند مدافعین کارگر. آن وقت در نظام به اصطلاح سوسیالیستی شوروی سابق، همان بساط سرمایه داری، همان اسرافها، همان فسادهای گوناگون مالی به اسم کارگر و به نام دفاع از طبقه ی کارگر وجود پیدا کرده بود. منطقتشان، منطق تضاد و تعارض بود. اسلام و نظام اسلامی و جمهوری اسلامی هیچیک از این دو طریق را قبول ندارد؛ معتقد است که این دو عامل، یعنی عامل کارآفرینی و ایجاد بنگاه های اشتغال و کارآفرینی يك بازوست، وجود نیروی کار يك بازوی دیگر است. اینها باید هر دو باشند و همکاری کنند. نقش دولت، ایجاد يك خط عادلانه ی میانه برای این همکاری است؛ ظلم نشود. نه آنها به اینها تعرض کنند، نه اینها از کار آنها کم بگذارند؛ هیچکدام به حقوق یکدیگر تعرض نکنند. اگر اینجور باشد، آن وقت جامعه با سلامت و صفا پیش خواهد رفت؛ نه آن پرخوریها و اسرافها و زیاده رویها فرهنگ رائج خواهد شد، نه محرومیت يك طبقه برای آن طبقه فرهنگ ثابت خواهد شد. این، منطق نظام جمهوری اسلامی است.

امروز در کشور ما خوشبختانه تحرك و تلاش کار، تلاش خوبی است. مجموعه ی دست اندرکاران تولید، تلاش خوبی را انجام دادند و پیشرفت کردند؛ ولی ما هنوز در اوائل راهیم. ما باید خیلی جلو برویم، خیلی باید تلاش کنیم. هم وجدان کاری، محکم کاری و درستکاری در مجموعه ی تولید - یعنی کارگر و مولد کار و تولیدکننده ی کار - لازم است، هم در مسئولین دولتی و مسئولین رسمی، رعایت و مراقبت و توجه لازم است که این حرکت، حرکت صحیح و متعادلی باشد و انجام بگیرد. و البته همان طور که در اول عرایضم عرض کردم، تقدس کار و تکریم کننده ی کار باید در رأس برنامه ها قرار بگیرد و همه این را بدانند. کارگر، محترم است. کارگر با دست خود، با مغز خود، با کار خود، با جسم و جان خود دارد کشور را به استقلال میرساند.



امروز مسئله‌ی اصلی کشور ما استقلال است برادران و خواهران عزیز! انقلاب برای ما استقلال سیاسی را به بار آورد؛ این جرأت را به این ملت داد که در مقابل نظام غیر عادلانه‌ی سلطه در دنیا بایستد. اما اگر این ملت بخواهد این استقلال سیاسی را، این عرض اندام فرهنگی را در مقابل سلطه گران عالم حفظ کند، باید پایه‌های اقتصادی خود را محکم کند؛ این، ریشه دواندن استقلال در کشور است؛ و این وابسته است به تولید، به کار، به شکوفائی کار، به نوآوری در بخشهای مختلف کار. از مرکز تحقیقات و آزمایشگاه گرفته، تا توی محیط کارگاه‌ها، تا توی محیط مزرعه، در همه جا بایستی این نوآوری وجود داشته باشد. آن وقت است که دشمنان خونخوار و هتاک استقلال ملت ایران با ناکامی دهانهای خودشان را خواهند بست و کناری خواهند نشست.

همان طور که گفتند، مشکلات جامعه‌ی کارگری - مسئله‌ی بیمه‌شان، مسئله‌ی مسکنشان، مسئله‌ی ارتباطاتشان با کارفرما، وظائف کارفرما در مقابل آنها، وظائف آنها در مقابل محیط کار - بایستی به طور دائم دنبال شود و اهمیت وجدان کار و اتقان کار بایستی مورد تأکید قرار بگیرد. این راه، راه روشنی است؛ این هدف، هدف مشخصی است؛ این ملت هم ملت اهل کار و اهل تلاشی است.

ملت ما نشان داده است که از مجاهدت خسته نمیشود؛ و همین، دشمنان را مأیوس میکند. امروز طمع و امید دشمنان ملت ایران - یعنی همین مستکبرین آمریکائی و شبکه‌ی شیطانی و خطرناک صهیونیسم در دنیا - نسبت به غلبه پیدا کردن بر ملت ایران، از بیست سال پیش بمراتب کمتر است؛ چون می بینند ملت ایران با چه نشاطی مشغول حرکت کردن است. البته تبلیغات دست آنهاست. خودشان با آن فجایع و جنایاتی که انجام دادند؛ چه در عراق، چه در افغانستان، چه در فلسطین، با همین جنایاتی که این روزها در عراق دارند انجام میدهند - کشتار مردم، زندانهای پنهان - این همه کارهای ننگ آلودی که آمریکا امروز دارد انجام میدهد - شکنجه، چه - با همه‌ی اینها با کمال وقاحت، دم از حقوق بشر میزنند، دم از دموکراسی میزنند و جمهوری اسلامی را به حرفهای موهوم متهم میکنند. خوب، اینها تبلیغات است. وقتی در میدان عمل تیغشان بُردگی ندارد، دهانشان را باز میکنند؛ حرف میزنند، تبلیغات میکنند؛ این به خاطر پیشرفت ملت ایران است. باز هم باید شما پیش بروید، باز هم این ملت باید به جلو حرکت کند. این دهانها هم بسته خواهد شد؛ بعون الله تعالی. خدای متعال وعده کرده است که ملتی را که درصد دستیابی به آرمانهاست و تلاش میکند، به موفقیت برساند.

یک جمله در باب انتخابات عرض کنیم که همین دو سه روز آینده است. این انتخابات بسیار مهم است. در دور اول انتخابات، ملت ایران حقیقتاً یک حرکت عظیم انجام داد. تبلیغات کردند، دنیا را به جنجال کشاندند، شاید بتوانند یک جوری انتخابات را بی رونق کنند، شاید بتوانند ملت ایران را از پای صندوقها دور کنند؛ نتیجه این شد که ملت ایران با انگیزه تر و با جدیت بیشتر وارد میدان شد. خیلی اثر میکند این حضور مردمی در شکوه بخشیدن به چهره‌ی ملت شجاع و رشید ایران در نظر دیگران.

کار، نیمه کاره است. ای کاش همیشه اینجور باشد که انتخابات هرگز به دور دوم کشیده نشود که هم هزینه‌ها دو برابر بشود، هم زحمت مردم دو برابر بشود؛ لیکن رقابتهای زیادی بود، رقابت تنگاتنگ بود؛ نتیجه این شد که به دور دوم کشیده شده است. یک بخشی از نمایندگان را هنوز ملت ایران انتخاب نکرده اند. مجلس باید کامل شود.



اینجا هم دو مطلب برای ملت ایران به نظر این بنده خیلی مهم است: یکی اصل حضور در این میدان است. ملت ایران کاری کنند که انگیزه‌ی تمام نشدنی آنها برای دشمن مشخص شود؛ این، دشمن را مأیوس میکند. دشمن اگر احتمال بدهد که با جنجال آفرینی و با غوغا و تبلیغات توانسته انگیزه‌ی مردم را ضعیف کند، امیدش بیشتر میشود، تهاجمش شدیدتر میشود. باید دشمن احساس کند که انگیزه‌ی این ملت تمام نشدنی است، و این در دور دوم انتخابات خودش را باید نشان بدهد، و این ان شاءالله به توفیق الهی و به دست قدرت الهی و تأثیر پروردگار در دل‌های مردم بعون الله تعالی انجام خواهد گرفت؛ ملت ایران این بار هم اقبال نشان خواهد داد.

نکته‌ی دوم، انتخاب نمایندگان صالح است، یا به تعبیر درست تر بگوئیم «نمایندگان اصلح»؛ کسانی که صالح ترند؛ کسانی که به فکر مردمند؛ کسانی که برای مردم دل میسوزانند؛ کسانی که حاضرند با همکاران خودشان در دولت، در قوه‌ی قضائیه، در بخشهای مختلف، دست به دست هم بدهند و با اتحاد و اتفاق، یک کار بزرگ انجام بدهند؛ اینجور افرادی را انتخاب کنند. کشور با اتحاد پیش خواهد رفت؛ با دعوا و تفرقه و دودستگی پیش نمیرود. شما می بینید یک چیز مختصری بین مسئولین پیش می آید، (2) رادیوهای بیگانه تفسیر میگذارند، جنجال میکنند، خوشحال میشوند؛ در حالی که اصل قضیه چیز مهمی نیست. حالا فرض کنیم یک اختلاف سلیقه ای، یک اختلاف نظری، یک اختلاف برداشتی بین دو مسئول یا دو گروه مسئول پیش آمده است؛ این اینقدر در گذران کار اهمیتی ندارد؛ اما دشمن از همین چیزهای کوچک هم میخواهد استفاده کند. جنجال میکنند، خوشحالی میکنند، میگویند، مینویسند و رادیوهای بیگانه تحلیل میگذارند. کسانی که حالا میدانند و میشوند، می بینند که چقدر خوشحالی میکنند از اینکه بین افراد یک چیز مختصری پیدا شده است. این نشان میدهد به ما که نقش اتحاد و همدلی در کشور چقدر است.

این کشور با اتحاد مسئولین، با همدلی مسئولین، با همدلی ملت با مسئولین، با اتحاد عظیم ملت ایران پیش خواهد رفت. همه‌ی تلاش امام بزرگوار ما در طول آن ده سال زندگی بابرکت خود در رأس جمهوری اسلامی، بر همین تأکید و بر همین نکته بود؛ اتحاد مردم، همدلی مردم. امروز هم همان است؛ باید کاری کنیم و ملت ایران کاری بکنند که مسئولین کشور با هم همدل باشند، همراه باشند، اختلاف و شقاق و درگیری و مچ گیری و دست به یقه شدن و ایراد بنی اسرائیلی از یکدیگر گرفتن، این چیزها نباشد.

باید همه در صراط واحد باشند. بحمدالله ملت، ملت با اتحادی است؛ ملت هوشیاری است. ملت ایران واقعاً هوشیارند. یک جاهائی ما دیده ایم و تجربه کرده ایم که از احساسات خودشان صرف نظر کرده اند، تحریکات دشمن را بی اثر گذاشته اند؛ برای خاطر حفظ اتحاد.

همین جامعه‌ی کارگری شما، ما اطلاع داریم که در برهه‌هائی از زمان تحریکات گوناگونی میشد که بلکه بتوانند این جامعه را یک جوری مشوش کنند. افراد جامعه - افراد عادی جامعه، افراد جامعه‌ی کارگری - با هوشیاری، مطلب دستشان بود؛ تسلیم نشدند، تحریک نشدند. این، هوشیاری ملت ایران است. این، جزو بزرگترین نعمتهای خداست.

امیدواریم دعای ولی عصر (ارواحنا فداه) و توجهات آن بزرگوار شامل حال شما باشد، شامل حال همه‌ی ملت ایران باشد و خدای متعال ان شاءالله روزبه روز بر عزت ملت ایران و بر استقلال این کشور بیفزاید و برکاتش را بر جامعه‌ی



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir

کارگری و بر مجموعه ی فعالان این کشور روزبه روز زیادتیر کند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته